

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی - 29 / خرداد / 1379

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران عزیز! نمایندگان و منتخبان محترم و همکاران جدید و عزیز ما در اداره ی این کشور بزرگ و این انقلاب عظیم و رسیدن به هدفها و آرمانهایی که خدای متعال برای ملت مسلمان و مجاهدان راه خودش وعده فرموده! خیلی خوش آمدید.

اولین مطلبی که هر مسؤولی در نظام اسلامی - از جمله شما برادران و خواهران عزیز - مناسب است که در ذهن داشته باشد، شکر خداوند متعال به خاطر این مسؤولیت بزرگ است. این طور نیست که هر وقت انسان بخواهد در خدمت مردم، در خدمت اسلام و در خدمت هدفهای عالی قرار گیرد، این کار برایش میسر باشد. زمانها و شرایط مختلف است و امکانات همیشه در دسترس نیست. این شرف بزرگی برای یک انسان مؤمن و متعهد است که احساس کند در جایی قرار گرفته که می تواند برای مردم، برای کشور، برای اسلام، برای هدفهای والایی که در عظمت آنها تردیدی نیست، تلاشی کند، زحمتی بکشد و قدمی بردارد.

عزیزان من! اگر خدای متعال هم کمک نکند، قدم از قدم نمی شود برداشت. کمک الهی یک امر تصادفی و غیرمنطقی و بی محاسبه نیست؛ کمک الهی هم مترتب بر این است که انسان از خدا بخواهد، تلاش کند، استغاثه کند و او را به کمک بطلبد.

پیامبر بزرگوار ما - که این روزها به نام آن بزرگوار مزین است و ایام ولادت با سعادت اوست و برای همه مؤمنین و برای همه مسلمانان اسوه است - در هنگامه های سخت، ملاحظه نمی کرد که تضرع او پیش خدا و کمک خواستن او از خدا ممکن است در ذهن مخاطبان و شاهدان و ناظران، این تأثیر را بگذارد که او به خودی خود ناتوان است. به صراحت می گفت من به خودی خود ناتوانم و بدون کمک خدا از من کاری بر نمی آید. در جنگ احزاب، در حالی که همه دشمنان از اطراف، مدینه و پیامبر و گروه مؤمنین را محاصره کرده بودند، با این نیت که اسلام و قرآن و پیام جدید را به کلی از بیخ و بن بکنند، پیامبر اکرم در کنار آرایش نظامی، در کنار تدابیر بسیار هوشمندانه ای که در آن جا به کار برد، در کنار تحریض مردم بر مقاومت، در مقابل چشم مردم بر زمین زانو گذارد! بارها این کار تکرار شد که در کتابهای سیره هست. پیامبر دستش را بلند می کرد، تضرع می کرد، اشک می ریخت و می گفت: پروردگارا! به ما کمک کن و نصرت را به ما برسان و به ما توفیق بده.

بدون کمک الهی نمی توانیم کاری انجام دهیم؛ و کمک و رحمت الهی جز با توجه و توسل به او، جز با شستشوی دل، جز با خالص کردن نیت، جز با کنار گذاشتن هدفهای حقیر و کوچک شخصی میسر نخواهد بود؛ و این انقلاب، با این روحیه و با این حالت پیروز شد؛ و این مجلس شورای اسلامی - که افتخاری برای نظام جمهوری اسلامی و برگ زرینی بر شناسنامه انقلاب و نظام ماست - با این ترتیب پیش آمد.

ما قبل از انقلاب در این کشور چیزی به نام مجلس شورا را تجربه کرده بودیم. هرکس که آن مجلس و آن اوضاع و آن تاریخ را دیده، یا لمس کرده، یا در آثار خوانده است، قدر این مجلس و این انقلاب را می داند؛ قدر آن مجاهدتهایی را می داند که باعث شد در طول بیست و یک سال، یک روز مجلس شورای اسلامی تعطیل نشود. البته آن مجلس هم فرآورده اسلام بود. اگر مبارزات اسلامی مؤمنین به اسلام و علمای بزرگ نمی بود، آن مجلس هم شروع نمی شد؛ منتها آن مجلس منحرف شد. دو آفت بر آن مجلس مسلط شد: یکی تعطیل و توقف، یکی انحراف. انحراف مجلس هم این بود که نمایندگان به وظیفه نمایندگی خود عمل نکردند. بعد از مجلس سوم و چهارم به این طرف، چهار، پنج دوره مجلس دو ساله تشکیل شد که تقریباً براساس انتخاب مردم بود؛ اما بعد دیگر انتخاب و گزینشی نبود و مردم حضور نداشتند! هیچ کس به قدر کسانی که آن وضعیت را دیدند، یا لمس کردند، یا شنیدند و فهمیدند، قدر این مجلس شورای اسلامی و این محیط قانونگذاری آزاد و این گزینش مردمی حقیقی را نمی داند. خدا را شکر بگزارید که شما را جزو کسانی قرار داد که بتوانید در چنین جایگاه مهم و رفیعی حضور پیدا کنید؛ برای او فکر کنید و

تصمیم بگیرید و برای انجام وظیفه، کار و تلاش و مجاهدت کنید. این کشور به تلاش و مجاهدت، بسیار احتیاج دارد.

انقلاب اسلامی یک تجربه جدید و یک حرف نو در دنیاست. نظام اسلامی یک حرف تازه در محیط سیاسی عالم است. این چیزی نیست که نظامهایی که منافع کلان قدرتهای مستقر و مسیطر عالم به آن آنها وابسته است، حاضر باشند به آسانی از سرش بگذرند. لذا مقابله و معارضه و کارشکنی و تهدید می کنند؛ برای این که بتوانند این تجربه جدید را به شکست بکشانند. بنابراین، مشکلات، تحمیلی است. علاوه بر ضعفها و فتورها و بی فکریها و عقب ماندگیهایی که در طول زمان بر ملت و کشور ما تحمیل شد، فشارهای دشمن هم زیاد است. در این محیط حقیقتاً جنگ حزابی، مسؤولان نظام وظیفه دارند از همه توانشان استفاده کنند؛ برای این که بتوانند یک قدم جلو بروند و کاری انجام دهند و یکی از مشکلات را حل کنند و گره ها را بکشایند؛ و این با اخلاص، با صفا، با همکاری، با حفظ آن مبانی ای که این انقلاب براساس آن به وجود آمد، ممکن است.

عمل به قانون اساسی، علاج اساسی دردهای این کشور است. و عمل هم متوقف بر این است که عناصر عمل کننده؛ چه آنهایی که مجاری اجرای قانون اساسی را معین می کنند - مثل دستگاههای قانونگذاری - چه کسانی که آن را اجرا می کنند - مثل قوه مجریه - چه کسانی که عدالت و تخلفها را مورد ملاحظه قرار می دهند - مثل قوه قضاییه - و همه دست اندرکاران این کشور، در مقام عمل، اخلاص و صفا و مسؤولیت و انجام وظیفه را ملاک خودشان قرار دهند. این اساس قضیه است.

این مجلس بحمدالله مجلسی است که طبق آمارهای ارائه شده، عناصر بسیاری از ایثارگران، رزمندگان و مجربان میدانهای گوناگون انقلاب، در آن جمع شده اند؛ کسانی که تلاش کرده اند و زحمت کشیده اند و جان خودشان را در معرض فدای در راه اهداف انقلاب گذاشته اند. بحمدالله سابقه داران و علاقه مندان به انقلاب در این مجلس جمعند. مجلس همیشه برای همه - برای مردم و برای مسؤولان - نقطه اساسی امید است. کار مهم شما این است که نگذارید این امید ضعیف شود. البته همان طور که جناب آقای کرّوبی اشاره کردند، کلیت قانون اساسی باید مورد نظر و توجه شما باشد. در یک برنامه ریزی بلندمدت و میان مدت، تلاشتان این باشد که تا آن جایی که بر عهده شماست و فرصتهای شما اجازه می دهد، اگر گبری در اجرای این قانون هست، آن را برطرف کنید. انتقادپذیری مسؤولان - که جزو برنامه های این مجلس ذکر شد - از اساسی ترین کارهاست. در گزینش و محاسبه مسؤولان، در دیوان محاسبات، در تنظیم بودجه، در تنظیم برنامه، در وضع قوانین، مّر حقیقت را در نظر بگیرید. این اساس قضیه است. بسیاری از قوانین ما خوب هستند؛ اما جواب نمی دهند؛ چون در اجرا اشکال دارند. اگر حقیقتاً چشم بینایی مجلس - البته با انصاف، با عدالت، با رعایت حدود الهی - متوجه مجریان باشد، این مشکل برطرف یا لااقل کم خواهد شد. اینها چیزهای بسیار مهمی است.

البته اولویتهای را در نظر بگیرید. من در پیامی هم که به مناسبت افتتاح مجلس به شما عزیزان عرض کردم، این نکته را متذکر شدم که همه کارها را دفعتاً نمی شود انجام داد؛ اولویتهای را در نظر بگیرید. امروز در بعضی از گفته ها و اظهارات، راجع به شأن و شخصیت و شرف و کرامت انسان در جامعه حرف زده می شود. این بلاشک از اصول اسلامی است؛ اما کدام نقض کرامت انسانی بالاتر از این که انسانی، رئیس عائله ای، پدر خانواده ای، در جامعه ای که در آن همه چیز هم هست، نتواند اولیات زندگی فرزندان خودش را تأمین کند؟! کدام تحقیر از این بالاتر است؟! کدام نقض شخصیت و شرف و کرامت انسانی از این بالاتر است؟! صبح تا شب کار کند، آخرش به من یا به شما یا به آن مسؤول دیگر نامه بنویسد که من دو ماه است به خانه ام گوشت نبرده ام! یک وقت در جامعه گوشت و میوه نیست، من و شما هم نمی خوریم؛ یک وقت در جامعه امکانات رفاهی نیست، من و شما هم استفاده نمی کنیم؛ یک وقت ایام عید که می شود، فرزندان من و شما هم لباس نو بر تن نمی کنند. در این حالت کسی احساس سرشکستگی نمی کند - البلیه اذا عمت طابت - اما وقتی همه چیز هست، وقتی کسانی در جامعه با استفاده از فرصتهای نامشروع توانسته اند برای خودشان آلف و الوف و زندگیهای تجملی فراهم کنند، وقتی طبقاتی در جامعه هستند که برایشان پول خرج کردن هیچ اهمیتی ندارد، جمع کثیری از مردم که در بین آنها رزمندگان و عناصر نظامی و کارمندان دولت

و معلمان و روستاییان و مردم مناطق محروم و دور و مناطق جنوب هستند، نتوانند نان و پنیر بچه هایشان را فراهم کنند، کدام شکستن شخصیت و شرف انسانی از این بالاتر است؟! شما می خواهید جواب چه کسی را بدهید؟ شما می خواهید دل چه کسی را خوش کنید؟ شما می خواهید چه کسی از شما راضی باشد؟

بله، مسأله معیشت قطعاً در اولویت اول است. معیشت که نبود، دین هم نیست؛ اخلاق هم نیست؛ حفظ عصمت و عفت هم نیست؛ امید هم نیست. کسی را که به موقعیتی دست پیدا کرده، به خاطر این که برای رفع نابسامانی و فقر، تلاش و مجاهدت کند و شب و روز خودش را صرف نماید، ملامت نخواهند کرد. اولویتهای را پیدا کنید. مسائل اساسی جامعه اینهاست.

عزیزان من! شما بدانید که دشمن شما، دشمن این انقلاب، دشمن این نظام، بونده ترین حربه ای که در اختیار خواهد داشت، فقر و گرفتاری اقتصادی مردم است. روی این مسأله باید فکر کرد. گرفتاریهای اقتصادی مردم، همین بیکاری ای است که در کلمات شما تکرار می شود و درست هم هست؛ همین کمبودها و همین مشکلات فراوان است. البته فسادهای گوناگون، سوءاستفاده های گوناگون، تبعیضهای گوناگون، مشکلات اداری و مشکلات قضایی هم در کنارش هست. اولویت اول برای شما این است که امید مردم را حفظ کنید. اولویت اول این است که شکم مردم را سیر کنید. می شود نشست و حرفهای روشنفکری زد: اگر فلان طور نشود، فلان طور نخواهد شد؛ اگر چنین نشود، چنان نخواهد شد؛ اما باید دید واقعیت چیست.

این مسؤولیتهای امروز هست، فردا نیست. همه ما در گذریم. مجلس شورای اسلامی به فضل الهی پایدار بوده و پایدار خواهد ماند؛ لیکن ما که پایدار نیستیم؛ ما چهار روز در این جا هستیم و وظایفی داریم که آن وظایف را بایستی انجام دهیم. در درجه اول باید خدا را راضی کنیم. البته مردم را باید راضی و دل آنها را شاد کرد؛ اما در درجه اول این است که فکر محاسبه الهی را بکنیم.

عزیزان من! خدای متعال از هر ساعت عمر شما در مجلس، از هر تصمیم گیری شما، از هر نشست و برخاست شما - که اکنون مهم شده است - سؤال خواهد کرد. تا چندی پیش، شما می نشستید، برمی خاستید؛ حرکت و گفتار شما تأثیری نمی گذاشت؛ اما امروز شما یک کلمه حرفتان، یک نشست و برخاستتان، یک دست بلند کردن و موضعگیریتان مؤثر است. این یک امکان است و این امکان با خودش مسؤولیت سنگینی را می آورد. در درجه اول هم خدای متعال از ما سؤال می کند.

در تشخیصها، در گزینش اشخاص و در گزینش مسؤولان، باید خدا را در نظر بگیرید. گزینش باید گزینش هوشمندانه، عالمانه و دقیق باشد. اینها جزو وظایف حتمی است. آن کسی را که شما سر کار می آورید، آن کسی را که شما به او اعتراض می کنید، آن کسی را که شما از او سؤال می کنید، آن کسی را که شما استیضاح می کنید، یک مسؤول در نظام اسلامی است که قدرت و توانایی و امکانات خود را از شما دارد. در این که این توانایی را به چه کسی بدهید، چگونه تصمیم گیری کنید، چگونه تشخیص بدهید، بایستی دقیق، هوشمندانه و بدون ملاحظه این و آن عمل کنید. تقسیم بندی جناحها به چپ و راست و مدرن و سنتی و غیره، حرف است. اینها حقایق نیست. حقیقت عبارت است از آن تکلیف و مسؤولیتی که شما دارید. آن مهم است. آن چیزی است که گریبان ما را می گیرد. آن چیزی است که ما را به پاسخگویی در مقابل خدا وادار می کند.

برادران عزیز! بعضی از کارها توبه دارد، بعضی از کارها توبه هم ندارد؛ چون اصلاحش ممکن نیست. شما ببینید در قرآن کریم بعد از «الا الذین تابوا»، در موارد متعددی دارد: «واصلحوا». گاهی توبه نسبت به کار شخصی ماست. در مسائل فردی، کار اشتباه و غلطی از ما سر می زند، بعد هم به خدای متعال عرض می کنیم: پروردگارا! اشتباه کردیم، غلط کردیم. این تمام می شود و می رود. یک وقت است که این کار در صحنه جامعه تأثیر می گذارد؛ واقعیتی را به وجود می آورد یا از بین می برد؛ توبه این، به این است که آن را اصلاح کنیم. مگر ممکن است همیشه اصلاح کرد؟ مگر در همه موارد ممکن است آب رفته را به جوی باز آورد؟ لذا بسیار باید دقت کرد.

بنده ضمن این که به خاطر این مسؤولیت سنگینی که دارید، باید به شما عزیزان تبریک عرض کنم، باید هشدار هم بدهم: مواظب باشید؛ این مسؤولیت بسیار سنگین و کار بسیار بزرگی است. همان قدر این مسؤولیت سنگین است

که مسؤولیت بقیه کسانی که در مسؤولیت قبل از شما بودند یا بعد از شما خواهند آمد. از خدای متعال باید کمک و حمایت بخواهید.

وامدار کسی هم نباید بود؛ فقط وامدار آن سوگندی که خورده اید، باشید. آن سوگند هم سوگند حقیقی است؛ یعنی قسمی شرعی است که اگر نقض شود، یقیناً خلاف شرع انجام شده است و پیش خدای متعال مسؤولیتهای سنگینی هم برای انسان دارد.

وظیفه ما این است که از هویت انقلاب، اساس انقلاب و اساس این نظام دفاع کنیم و این نخواهد شد، جز این که در نظر داشته باشیم که وظایف ما در این قانون اساسی بحمدالله مترقی و جامع - نمی گوییم بی عیب و بی نقص؛ اما قطعاً جزو جامعترین و کاملترین قوانین اساسی ای است که امروز در دنیا وجود دارد - چیست. همین قانون اساسی، مجلس را رکن مهم این نظام قرار داده است. اصل قضیه این است که این رکن، وابسته به این نظام الهی است. کسان پُر کار و پُر تلاش و پُر فعالیت هستند که مایل نیستند این نظام با کلیت خودش یا با روح اسلامی خودش باقی بماند.

وظیفه همه ما این است که در مقابل تسلط مخالفان این انقلاب و این نظام، محکم و با قدرت باشیم. اگر خدای متعال به بنده هم - که یک خدمتگزار دارای مسؤولیت هستم - توفیق دهد، مثل شما وظیفه من هم همین است. همه وظیفه دارند در مقابل کسانی که در صدند پایه های این نظام را - چه پایه های ایمانی آن را، چه پایه های فکری آن را، چه پایه های اجرایی آن را - سست کنند، بایستند. این وظیفه اساسی همه مسؤولان نظام است؛ چه قوه مجریه و در رأس آن رئیس جمهور، چه قوه مقننه که شما برادران و خواهران عزیز هستید، چه قوه قضاییه و چه بقیه مسؤولان که این حقیر هم در مجموعه مسؤولان قرار دارم. سعادت ما در این است که در این راه بایستیم. ما با خدای متعال تعهد کرده ایم که ایستادگی کنیم؛ ان شاءالله به این تعهد عمل هم خواهیم کرد. ما نخواهیم گذاشت که ضدانقلاب و کسانی که از اساس با این انقلاب مخالف بودند، بتوانند در مراکز اثر گذار بر روی افکار عمومی و بر روی ایمان مردم، مقاصد خودشان را عملی کنند. مردم هم این را از شما می خواهند؛ خدا هم این را از شما می خواهد.

ان شاءالله خدای متعال به شما کمک کند و توفیق دهد که این چهار سال را با عافیت دین و دنیا بگذرانید و خدای متعال را از خودتان راضی کنید و آن وقتی که از این مسؤولیت جدا خواهید شد، با احساس این که کاری برای این کشور و این ملت کرده اید، جدا شوید.

از خداوند متعال می خواهیم که به همه شما عزیزان توفیق عنایت کند و روزبه روز برکات خودش را بر شما و بر این ملت، مستمّر و مستدام بدارد. ان شاءالله برکات حضرت بقیةالله الاعظم ارواحنا فداه و دعای مستجاب آن بزرگوار هم شامل حال همه شما و ما باشد.
والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته